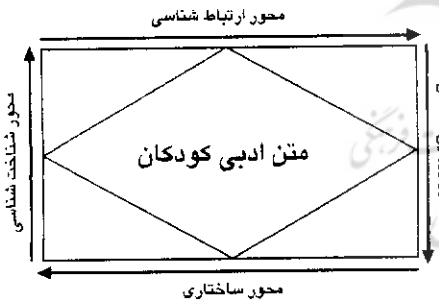


## چهار محور سازنده متن ادبی کودکان

محمد محمدی

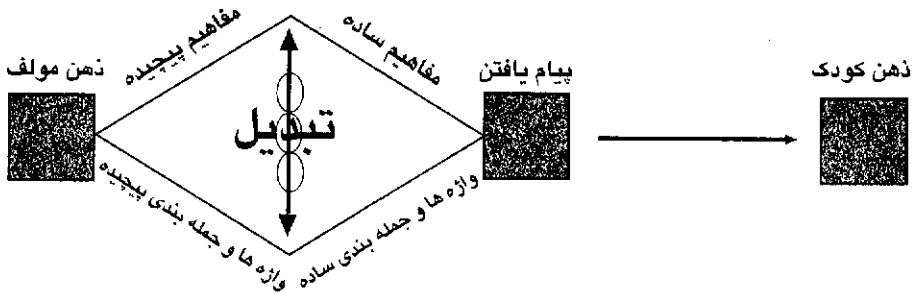


متن ادبی کودکان همیشه بر چهار محور شکل می‌گیرد. هر کدام از این چهار محور نقش تعیین‌کننده‌ای در ساخت و ماهیت متن ادبی کودکان دارند. هنگام آفرینش متن ادبی کودکان، این چهار محور به طور همزمان و مشترک عمل می‌کنند و فقدان هر یک از آنها متن را از محدوده دنیای کودکان دور یا ماهیت ادبی آن را دچار نقص می‌کند. این چهار محور عبارتند از:

از جنبه ارتباط‌شناسی، مؤلف متن ادبی کودکان آگاه است که برای کودکان می‌نویسد. این آگاهی سبب دگرگونی‌هایی در بافت متن می‌شود. زیرا مؤلف متن ادبی کودکان، می‌خواهد پیامی را که برای مخاطب خود می‌فرستد از طرف او دریافت و معنا شود و در اینجاست که موضوع ارتباط به میان می‌آید.

- ۱- محور ارتباط‌شناسی
  - ۲- محور زیبایی‌شناسی
  - ۳- محور ساختاری
  - ۴- محور شناخت‌شناسی
- نادیده گرفتن دو محور ارتباط‌شناسی و شناخت‌شناسی، متن را از دنیای کودکان دور می‌کند و عدم آشنایی و توجه به محورهای زیبایی‌شناسی و ساختاری، به ماهیت ادبی آن لطمه می‌زند.

ارتباط یک فرایند است و در جایی این چنین تعریف شده است: «ارتباط عبارت است از فراگرد



قابل فهم به متن منتقل می‌کند. ساده‌سازی پیام به طور همزمان، هم در سطح زنجیره مفاهیم و هم در سطح جمله‌بندی و انتخاب واژه‌ها انجام می‌شود. در فرایند ساده‌سازی پیام، متن درگیر زنجیره‌ای از تغییرات می‌شود. این تغییرات سبب می‌شوند که متن ادبی کودکان با متن ادبی بزرگسالان تفاوت‌های ماهوی داشته باشد. هرچه سن کودک کمتر باشد، دامنه این تفاوت‌ها گسترده‌تر است و هرچه کودک به سن نوجوانی و جوانی نزدیکتر می‌شود، این تفاوت‌ها محدودتر می‌شود. در اینجا نمونه‌ای از یک متن مشترک با دو زبان متفاوت را انتخاب کرده‌ایم:

و مرا به خویرس زمین  
درختی همتن نیست  
چه، شاه از من خورد  
چون نوبار آورم  
تخته کشتیام  
فوسپ بادبانم  
که دو بند مین و مان  
که کوبند جو و برنج (۲)

این متن از جنبه ارتباطی مناسب کودکان نیست، زیرا مفاهیم آن، گاهی پیچیده و زیباتش

انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (۱)

از زاویه ارتباط‌شناسی، متن ادبی کودکان، پیام یا مجموعه‌ای از پیام‌هاست که مؤلف برای مخاطب خود ارسال می‌کند. از جنبه ارتباطی، نویسنده، پیام خود را به سطحی می‌رساند که برای مخاطبانش قابل فهم باشد. آنچه که باید برای مخاطب قابل فهم باشد، معنای پیام است. در لایه اول، برای اینکه پیام متن ادبی قابل فهم و معنا باشد، باید زبان یا رمزهای زبانی مشترکی بین مؤلف و مخاطب وجود داشته باشد. در صورتی که فهم زبانی مشترک نباشد، اصولاً رابطه‌ای ایجاد نمی‌شود. اما اگر زبان مشترک باشد، ولی پیام قابل معنا نباشد، در اینجا موضوع ارتباط ناقص پیش می‌آید. بسیاری از متون فلسفی، اجتماعی یا حتی ادبی هستند که با وجود زبان مشترک، برای کودک قابل درک و معنای پذیر نیستند. پس مؤلف متن ادبی کودکان، برای آنکه مخاطبش پیام او را درک کند به ساده‌سازی زبان مشترک دست می‌زند و این همان کلید ارتباط با کودک است.

ساده‌سازی زبان، فرایندی پیچیده است. برای این منظور، ابتدا مؤلف در ذهن خود دست به تفکیک مفاهیم پیچیده و ساده می‌زند یا اینکه مفاهیم پیچیده را به مفاهیم ساده تبدیل می‌کند. او سپس این مفاهیم را در قالب واژه‌ها و جمله‌های ساده و

۱- ارتباط‌شناسی، مهدی محسین‌راد، سروش ۱۳۶۹، ص ۶۶  
۲- درخت آئورینگ، متن پهلوی، ترجمه ماهیار نوابی، فروهر ۱۳۶۳، ص ۴۵

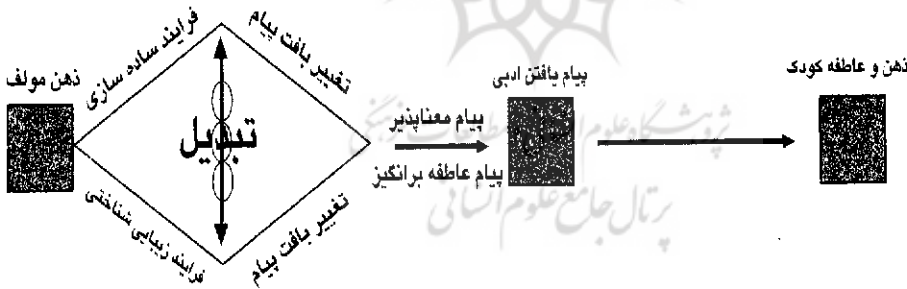
نامأنوس است. در فرایند ساده‌سازی، این نمونه به متنی قابل فهم و معنا برای کودکان تبدیل شده است:

از چوب خیلی سختم  
از برگهای درختم  
تخته کشتی می سازند  
جاروی خانه می بافند  
از چوب گرد گندهام  
کنده سخت و گندهام  
دسته هاون می سازند  
تو هاون گرد و دراز  
که تاپ تاپ دارد آواز  
برنج کوبند و گندم  
گندم برای مردم<sup>(۱)</sup>

عاملی که در تغییر ساخت این متن مؤثر بوده است، بیش از هر چیزی، عامل ارتباطی است. درک معنای پیام، عامل کلیدی، در موضوع ارتباط بین مؤلف و مخاطب است.

می‌شود. تا معنای آن درک شود و هدف توجه به محور دوم آن است که به طور همزمان، عواطف مخاطب را برانگیزد.

برای برانگیختن عواطف مخاطب، شگردهایی به کار می‌رود که همگی در حوزه زیبایی‌شناسی قرار دارند. تصویری کردن پیامها یا زبان، گام نخست در این فرایند است. هنگامی که زبان یا پیام، تصویری می‌شود، مفاهیم مجرد به موقعیتهای مشخص و ملموس تبدیل می‌شوند. وجود این موقعیتهای برای ارائه اطلاعات صرف نیست - کاری که در حوزه علم و دانش انجام می‌شود - بلکه برای درگیر کردن احساسات مخاطب است. در موقعیتهای مشخص و ملموس، مؤلف از آرزوها، احساسات و اندیشه‌های خود می‌گوید. به سخن دیگر، مؤلف درون خود را بیان می‌کند و این بیان درونی که با تخیل همراه است، تخیل مخاطب را به



حرکت وامی‌دارد.

شگردهای اساسی زیباسازی و عاطفی کردن زبان یا پیام، بسیاریند و در جای دیگر به طور مفصل درباره آنها بحث شده است.<sup>(۲)</sup> اما به اجمال باید گفت که یکی دیگر از این شگردها، آهنگین کردن زبان است. با آهنگین کردن زبان، حس

محور دوم سازنده متن ادبی کودکان، زیبایی‌شناسی است. در متنی که برای کودکان تهیه می‌شود، تنها ایجاد ارتباط و درک معنای پیام منظور نیست، بلکه بیداری احساس مخاطب و ایجاد واکنش عاطفی در او، محور دیگری از این متن را می‌سازد.

با استفاده از این محور که هدف آن ایجاد حس واکنش عاطفی در مخاطب است، تغییرات دیگری در پیام یا زنجیره پیامهای گنجانده شده در قالب متن به وجود می‌آید. در محور اول، روی پیام کار

۱- افسانه درخت خرما و پری (درخت آلوریگ)، بازآفرینی. م - محمدی، آستان قدس ۱۳۷۳، ص ۵  
۲- فرایند آفرینش ادبی در ادبیات کودکان / پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان / شماره ۱۵

پیامها شکل گرفته است، سازماندهی این زنجیره، به عناصر و روابطی نیاز دارد. دانش ساختار و نحوه به کارگیری آن، پیوند زنجیره پیامها را به گونه‌ای سازمان می‌دهد که بیشترین تأثیر زیبایی شناختی را داشته باشد. تعادل و توازن بین پیامها و روابط آنها با هم، نتیجه ساختار متن ادبی است. مؤلفی که متن ادبی کودکان را می‌آفریند، از عناصر، قوانین و روابط ساختار آگاهی دارد. به همین سبب پیامهای خود را در قالبهای شخصی ارائه می‌کند. زنجیره پیامهای او، نقطه آغاز و نقطه پایانی دارد. او با طرحریزی ساختار، جایگاه هر پیام را در این مجموعه مشخص و پیامها را به اصلی و فرعی تقسیم می‌کند. پیامهای اصلی، بار اطلاعاتی بیشتر و حساستری دارند. به همین دلیل در ساختار متن ادبی، روی آنها تأکید می‌شود. دانش ساختار، وظیفه کلیدی تقسیم یا توزیع اطلاعات را بر عهده دارد و چون هدف، برانگیختن عواطف مخاطب است، توزیع اطلاعات یا پیامها همراستا با این هدف انجام می‌شود.

خوشایندی در مخاطب بیدار می‌شود. آشنایی‌زدایی شگرد فراگیری است که شگردهای دیگر زیباسازی پیام را زیرپوشش خود قرار می‌دهد. آشنایی‌زدایی، یعنی عادت گرفتن از اشیاء، پدیده‌ها و موقعیتهایی که در وضعیتهای عادی دیگر درک نمی‌شوند. مؤلف با شگرد آشنایی‌زدایی، تصویرهایی می‌سازد که حس زیبایی دوستی مخاطب را برانگیزد. استفاده از زبان محاوره و شگردهایی مثل تشبیه، استعاره، تمثیل و نماد نیز در عاطفی کردن و برانگیختن حس زیبایی دوستی مخاطب نقش دارند.

«برج و ماه»

می‌رسد به گوش

لای لای آب

چشمهای من

لب به لب ز خواب

ماه نقره‌ای

می‌کند نگاه

وہ چه دیدنی است

رقص موج و ماه!

موج کف به لب

می‌شود رها

بوسه می‌زند

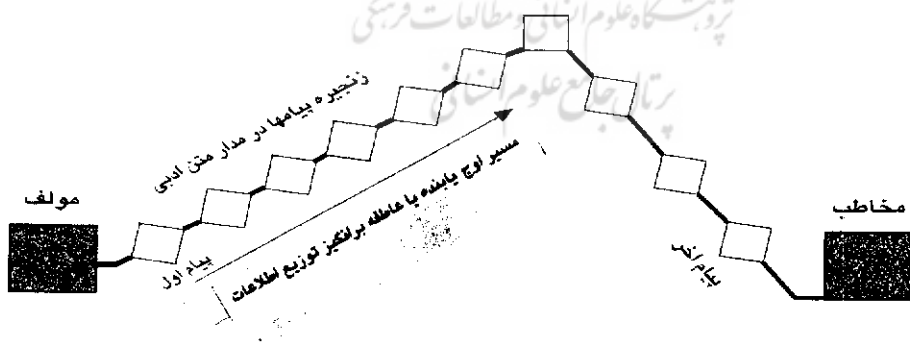
روی ماسه‌ها

رنگ ماسه‌ها

می‌شود کبود

شعر تازه‌ای

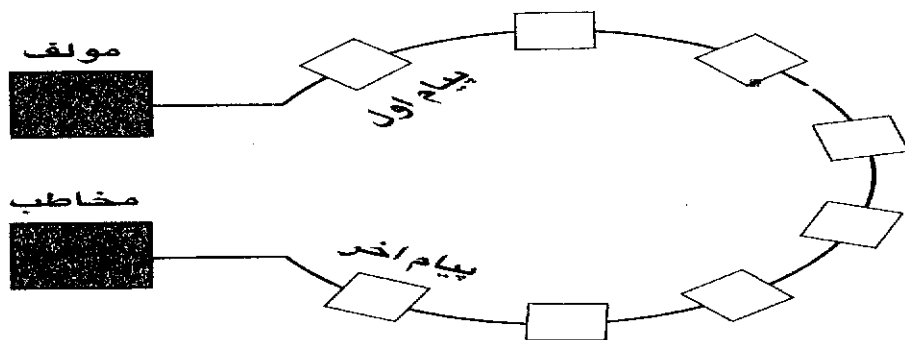
می‌شود سرود (۱)



در شعر که ساختاری متفاوت با متن ادبیات داستانی دارد، توزیع اطلاعات، غالباً مسیری حلقوی یا پیچ در پیچ را طی می‌کند.

همان‌طور که شعر بالا نشان می‌دهد، دو عامل ساده‌سازی و زیباسازی در این زنجیره پیامها به کار رفته است.

سومین محور سازنده متن ادبی کودکان، محور ساختاری است. به سبب اینکه متن ادبی از زنجیره



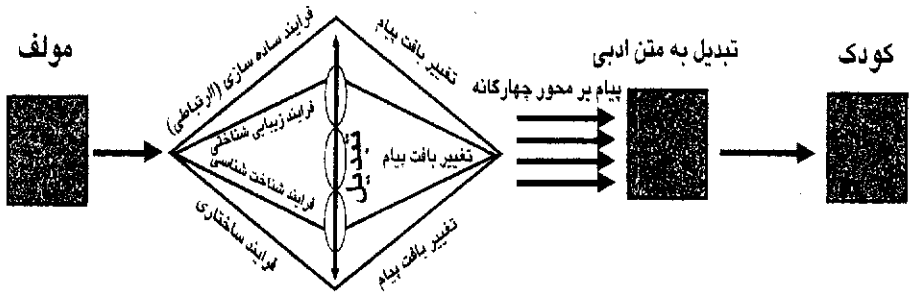
بدین ترتیب فوران این احساس در ساختاری متوازن، یعنی چهارپاره ساختاری بیان شده است. ساختار به پیامهای احساسی که ذاتاً خصلتی گریزان دارند، شکل و سازمان می‌دهد و آنها را به دور محوری که مرکز ثقل یا گرانیگاه دارد، هدایت می‌کند. عمده‌ترین عنصر ساختار، طرح آن است. طرح، جایگاه عناصر و روابط آنها را با یکدیگر تعریف می‌کند. براساس طرح منسجم، روابط همسوی ساختار به طرف نقطه گرانیگاه گرایش و روابط ناهمسو نسبت به نقطه گرانیگاه دافعه دارند و مدام از این نقطه می‌گریزند.

محور چهارم سازنده متن ادبی کودکان، شناخت‌شناسی است. در این محور، مؤلف به تأثیر پیامهای خود بر ذهن کودک می‌پردازد. هر متن ادبی کودکان، سلسله‌ای تأثیر شناختی، روانی روی کودک می‌گذارد. درگیری عاطفی کودک با پیامهای متن باید حاصل مثبتی داشته باشد. این موضوع، اصل برجسته‌ای در ادبیات کودکان است.

پیامهایی که مؤلف برای مخاطب خود ارسال می‌کند، ترکیبی از تجربه و تخیل است. این تجربه و تخیل باید به کودک کمک کند، گرهای روانی‌اش را باز کند و به گونه‌ای رشد ذهنی و شناختی او را تقویت کند که از تجربه‌های ادبی در زندگی روزانه بهره ببرد. این پیامها در چالشها و درگیریهای عاطفی به کودک کمک می‌کنند تا آنها را به شکل

در شعر «موج و ماه»، ساختار به چهار پاره مساوی تقسیم شده است و هر یک از پاره‌ها، پیامهایی را به مخاطب منتقل می‌کنند. توزیع اطلاعات در این شعر در یک حلقه ساختاری انجام گرفته است. در پاره اول، موقعیت دریا و آدم شعر به اطلاع می‌رسد. در پاره دوم، موقعیت آسمان و ماه و آدم شعر و تلفیق دریا و ماه تشریح می‌شود. در پاره سوم، فقط به موقعیت دریا و ساحل اشاره می‌شود و در پاره چهارم ساحل و آدم شعر، در موقعیت پیام قرار می‌گیرند. پاره اول در موقعیتی حلقوی به پاره چهارم متصل شده است. آدم خوابزده پاره اول، در پاره چهارم به حس زیبایی از رابطه موج، ماه و ساحل می‌رسد و همین حس به مخاطب منتقل می‌شود.

توزیع اطلاعات در همه شعرها بدین‌گونه نیست در شعر روایی، مثل شعرهای حماسی، توزیع اطلاعات بیشتر به شکل توزیع اطلاعات در ادبیات داستانی است. یعنی فراز و فرود دارد. در حالی که در شعر غیر روایی، کلیت شعر، احساسی کامل است؛ درست مثل یک دایره که نماد کمال است و جز تصویر دایره هیچ شکل دیگری این ویژگی یا وضعیت را بیان نمی‌کند. مرکز دایره یا مدار شعر، مشخص کننده احساس اصلی شعر است که چون فواره، پیرامون خود را سیراب می‌کند. در این شعر، موج و ماه در مرکز احساس شاعر قرار گرفته و



در محور ارتباط شناسی پیام ← ساده سازی می شود.

در محور زیبایی شناسی پیام ← عاطفه برانگیز می شود.

در محور شناخت شناسی پیام ← با رشد شناختی و حل گره های روانی کودک منطبق می شود.

در محور ساختاری پیام ← در قالب مشخصی سازماندهی می شود.

اگر متنی، فاقد یکی از این محورها باشد، ناقص است (نقص ساختاری) یا متعلق به دنیای کودکان نیست. البته بعضی از متون هستند که اصطلاحاً خواندنی کودکان نامیده می شوند. تفاوت اصلی خواندنی و ادبیات در این است که متن ادبی کودکان روی چهار محور و خواندنی کودکان روی سه محور شکل می گیرد. خواندنیهای کودکان فاقد محور زیبایی شناسی اند و بار شناخت شناسی، با تکیه بر رشد دانش در آنها برجسته تر است.

مثبتی حل کند؛ ناامیدی را به امید و خودخواهی را به همدردی با دیگران، جنگ طلبی را به صلح خواهی، بی اعتنایی به محیط زیست را به حفاظت از محیط زیست و ... تبدیل کند.

در محور شناخت شناسی، پدیده های زیستی و اجتماعی به دو قطب متضاد تقسیم می شوند. پدیده های مثبتی آنهایی هستند که در جهت سلامت زندگی و عزت و حرمت انسانی قرار دارند. پدیده های منفی در تضاد با این موضوع هستند. مؤلف متن ادبی کودکان در نمایش این دو قطب، همیشه طرح ساختار را به گونه ای می ریزد که قطب مثبت بر منفی غلبه داشته باشد. به همین دلیل یکی از شاخصهای متن ادبی کودکان، پایان اکثراً خوش است.

و به این ترتیب هر متن ادبی کودکان، با حرکت روی این چهار محور شکل می گیرد. پیامی که در متن ادبی نهفته است، به ترتیب زیر تغییر و تحول می یابد:

